

# آموزش روزنامه‌نگاری

نوشته: مایکل براملی؛ هوارد تامبر و باربی زیلازر  
ترجمه: زهره بیدختی

زمینه تفاوت کرده است. در عین حال، جابه‌جایی و تحولی که در بدو امر به سوی نوعی مداخله آزمایشی شبه دولتی صورت گرفت، نشان داد که گرایش کمیسیون سلطنتی مطبوعات در دهه ۱۹۴۰ به توصیه آموزش و تربیت برای روزنامه‌نگاران انگلیس (براملی Bromley،

کم‌وبیش نگرانی مداوم قرار داشته است. خود پولیتزر گهگاه تردیدهایی درباره قابلیت روزنامه‌نگاری به عنوان یک رشته تحصیلی دانشگاهی ابراز داشته بود (ویور Weaver، ۱۹۹۴) و شاید استدلال شود که طی بخش اعظم قرن گذشته، فقط شدت انتقاد خارجی و درون‌نگری در این

دست‌کم از زمانی که تأسیس دانشکده کارشناسی ارشد روزنامه‌نگاری دانشگاه کلمبیا سردبیر یک روزنامه چاپ نیویورک را بر آن داشت که (مسلماً به‌طور غیرواقعی) بگوید که این کار به منزله آن است که درجه کارشناسی شناگری به کسی بدهند، آموزش روزنامه‌نگاری در حالتی از

۱۹۹۹؛ اومالی O'Malley، ۱۹۹۷) متعاقباً، به‌ویژه بعد از سقوط آنچه که هالین (Hallin، ۱۹۹۲) آن را نوگرایی یا مدرنیسم والای روزنامه‌نگاری امریکا خواند، مغلوب‌گرایش به خویش‌نگری شد. مخصوصاً ظرف دهه گذشته، چنین می‌نماید که آموزش روزنامه‌نگاری به مراتب بازتابی‌تر شده است.

تا حدودی، این امر به عنوان پیامد واکنش نهادهای آموزش عالی به نوسانات و تغییرات متونی پدید آمده است که خود را در آن می‌یابند - که بارزترین آنها اصلاحات دهه ۱۹۹۰ در انگلیس و استرالیا و شوروی‌زدایی در اروپای مرکزی و شرقی است. همزمان، تقریباً مسلم شده است که فرایندهای دیجیتالی شدن، همراه با جهانی شدن و صنفی شدن، چالش‌های بنیادینی فراروی روزنامه‌نگاری قرار می‌دهند. بحث‌ها و مناظرات داخلی مربوط به «جایگاه طبیعی» روزنامه‌نگاری

- **گهگاه تردیدهایی درباره قابلیت روزنامه‌نگاری به عنوان یک رشته تحصیلی دانشگاهی ابراز شده است.**
- **آموزش روزنامه‌نگاری، برخلاف بسیاری از فعالیت‌های دانشگاهی، غیرتجربی است و برنامه درسی آن دستخوش اثرات فراگیر طیف محدودی از شرایط پیرامونی بلافصل قرار می‌گیرد.**

(استیوتز Stephens، ۲۰۰۰). شواهدی درباره جاهایی در دست است که در آن آموزش روزنامه‌نگاری به‌طور موفقیت‌آمیزی میان دانشگاه (حاصل‌قابل سنجش تحقیق، افزایش ثبت نام دانشجویان) و صنعت (سوابق استخدامی، رضایت فارغ‌التحصیلان) توافق برقرار ساخته است، اما نه در مورد جاهایی که در آن با یک ازدواج اجباری میان طرفین، توافق ایجاد کرده‌اند. دانشگاه و صنعت، معیارهای در حال حاضر کاملاً متفاوتی برای ارزیابی موفقیت در آموزش روزنامه‌نگاری به کار می‌گیرند (سدورکین Sedorkin، ۲۰۰۰؛ استیوتز ۲۰۰۰). به علاوه، این مسائل عمدتاً از طریق دو منشور کوچک معمولاً ملی، مورد بررسی قرار می‌گیرند. باید دانست که آشکال آموزش روزنامه‌نگاری که در شمال و غرب مسلط جهان، مورد مناقشه بسیار قرار داد، تا چه اندازه و از طریق چه مکانیسم‌هایی به‌طور بی‌دردسر و غیرمسأله‌آفرین، به شرق و جنوب جهان صادر می‌شود و آیا سخن گفتن از یک روزنامه‌نگاری یا روزنامه‌نگاری‌های متعدد، قابل توجهی هست یا خیر (مسحنیان‌راد و انتظاری، ۱۹۹۴).

شاید مسأله تمایز خود روزنامه‌نگاری و این که ادعاهای آن غالب خواهد شد، مورد بحث باشد. اکثریت منتقدان براین عقیده‌اند که پروژه آموزش روزنامه‌نگاری (غربی) حتی نتوانسته است ناکامی‌ها و

تشدید می‌شود تا منافع سرمایه رسانه‌های شرکتی در دانشگاه را افزایش بخشد (ریز Reese، ۱۹۹۹)، ولی از سوی دیگر، نظریه‌پردازی روزنامه‌نگاری به منزله پروژه عالمانه‌ای تلقی می‌شود که پژوهشگران و فرهنگستانی‌های کم‌کار از رشته‌های تحصیلی نه چندان به هم مرتبط را به کار می‌گیرد (بروملی، ۲۰۰۰). در حالی که شماری از دانشگاه‌ها بار دیگر آموزش روزنامه‌نگاری را با هنرهای زیبا،

- **باید دانست که آشکال آموزش روزنامه‌نگاری که در شمال و غرب مسلط جهان، مورد مناقشه بسیار قرار دارد، تا چه اندازه و از طریق چه مکانیسم‌هایی بی‌دردسر و بی‌مسأله به شرق و جنوب جهان صادر می‌شود و آیا سخن گفتن از یک روزنامه‌نگاری یا روزنامه‌نگاری‌های متعدد، قابل توجهی هست یا خیر.**

موسیقی، بازیگری، طراحی و انیمیشن در دانشکده‌هایی پیوند داده‌اند که توجه خود را روی اندیشه‌های سیاسی صنایع خلاق و هنرهای تخصصی متمرکز ساخته‌اند، مسائل یاد شده بالا ممکن است بار دیگر مطرح شوند.

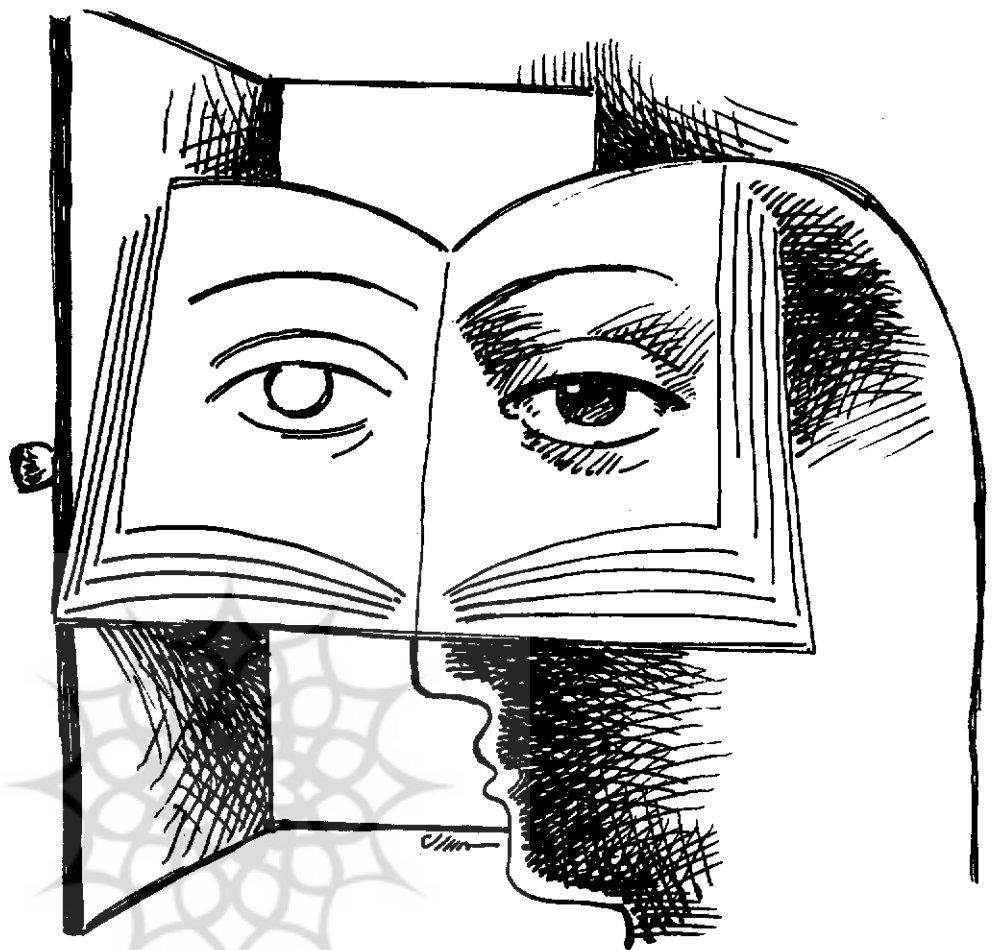
آموزش روزنامه‌نگاری، برخلاف بسیاری از فعالیت‌های دانشگاهی، غیرتجربی است و برنامه درسی آن دستخوش اثرات فراگیر طیف محدودی از شرایط پیرامونی بلافصل قرار می‌گیرد

در دانشگاه همچنان با علوم انسانی، هنرهای لیبرال، علوم اجتماعی، ارتباطات کسب‌وکار، متخصصان اطلاع‌رسانی، و دیگر گروه‌های تخصصی مجزا که غالباً به عنوان «بازی جمع صفر» یا «تربیت گزارشگر» یا «آموزش روزنامه‌نگار» برنامه‌ریزی شده‌اند، افزایش می‌یابند (بکر Becker، ۱۹۹۶). روابط بین این عوامل مستلزم تحلیل‌های محکم‌تر است. به‌طور مثال، از یک طرف گفته می‌شود که دوگانگی نظریه - عمل عمداً

علمی باید کاملاً گسترده باشد، اما در نهایت برطرف شدنی است.

به گفته پولیتزر، روزنامه‌نگاری شاید شکل‌دهنده حکومت و حیات توده مردم باشد (جی استوارت ادام G. Stuart Adam، همین شماره). یا یک «عملکرد نهادین باز نمودگری» باشد (دیوید اسکینر و همکاران، همین شماره). ولی در هر دو مورد، هنگامی که مطالعات روزنامه‌نگاری با انضباط در اشکال گوناگون آن تداخل می‌کند، وفاق گسترده‌تری پدید می‌آید که هرگونه هم‌کناری تلخیص‌گرایانه حرفه‌ای‌گرایی و تحلیل‌های انتقادی متمرکز روی روزنامه‌نگاری به عنوان محتوایی که باید (از هر چشم‌اندازی که باشد) مورد نقد قرار گیرد، را رد می‌کند. اخیراً شیوه‌های رضایت‌بخش‌تری برای بررسی روزنامه‌نگاری (که عمدتاً هیچ‌گاه چندان پنهانی نیستند) پیدا شده است (رجوع شود به برکوویتس Berkowitz، ۱۹۹۷؛ تامبر Tumber، ۱۹۹۹)؛ با وجود این، شیوه‌های مزبور هنوز آن‌طور که باید و شاید در دانشکده‌های روزنامه‌نگاری مطرح نمی‌شود. به همین ترتیب، پژوهش بیش از حد (متداول) در روزنامه‌نگاری، شناخت محدودی از تولید خبر به دست می‌دهد (کاتل Cottle، ۲۰۰۰).

جی استوارت ادام و دیوید اسکینر و دیگران این مسائل را به عنوان بخش اصلی علایق عمده مؤلفان به آموزش روزنامه‌نگاری، مورد بررسی قرار می‌دهند. آموزش روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگاری بدان سان که عملاً انجام می‌شود و روزنامه‌نگاری بدان‌گونه که مورد مطالعه قرار می‌گیرد، لازمه همدیگر نیستند. موقعیتی که از نظر پولیتزر ممکن است غیرقابل تصور باشد، ولسی برخی اربابان مطبوعات شرکتی از قبیل خود وی متهم به ایجاد و طراحی آن هستند - تضعیف آشکار ادعای روزنامه‌نگاری نسبت به یک نقش متمایز در عملکرد



■ اکثریت منتقدان براین عقیده‌اند که پروژه آموزش روزنامه‌نگاری (غربی) حتی نتوانسته است ناکامی‌ها و کاستی‌های روزنامه‌نگاری را تعریف کند، چه رسد به این که کاری کند که این تعاریف در سطح گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گیرد.

کاستی‌های روزنامه‌نگاری را تعریف کند، چه رسد به این که کاری کند که این تعاریف در سطح گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گیرد. دو مقاله‌ای که در اینجا به چاپ می‌رسند - ادام Adam و اسکینر Skinner و همکاران - در واقع از یک معرفت‌شناسی روزنامه‌نگاری پایدار جانبداری می‌کنند که با مشخص نمودن آنچه که آموزش در روزنامه‌نگاری (به عنوان یک حوزه) و راجع به روزنامه‌نگاری‌ها (به عنوان عملکردها) را

تشکیل می‌دهد، آغاز می‌شود. این امر بررسی مجدد ماهیت روزنامه‌نگاری و این که آیا قابلیت‌های روزنامه‌نگاری - و شناخت آن - اصولاً به صورت نظری حاصل شده یا به طور گزینشی شکل گرفته است، را ایجاب می‌کند؛ و یا اگر هر دو مورد درست است، این ویژگی‌ها چطور می‌توانند متوازن گردیده و مکمل و یاریگر متقابل هم باشند. از این‌رو، تفاوت‌های بین نظریه و عمل، تربیت و آموزش، پیشه‌گرایی و

www.Sagepub. co. uk نیز می‌توان  
مراجعه کرد.

امید می‌رود که این تقسیم  
مسئولیت‌های سردبیری، تعهد  
جورنالیزم در مورد انتشار آثاری که  
بازتاب دهنده بُعد بین‌المللی و چند  
فرهنگی پژوهش در روزنامه‌نگاری  
هستند، را افزایش بخشد.

همچنین در کمال خوشوقتی اعلام  
می‌داریم که جین چلبی Jean Chalaby -  
از «دانشگاه شهر» لندن - مسئولیت  
سردبیری بخش بررسی‌ها (Reviews) را  
بر عهده گرفته است. در اینجا بر خود لازم  
می‌دانیم که از همکاری و تلاش ارزشمند  
کوین ویلیامز Kevin Williams که طی  
دو سال گذشته مسئولیت سردبیری یاد  
شده را بر عهده داشت، تقدیر کنیم. او قرار  
است با شورای سردبیران، اهداکننده  
مقالات همکاری کند. □

■ روزنامه‌نگاری بدان سان که عملاً انجام می‌شود و روزنامه‌نگاری  
بدان گونه که مورد مطالعه قرار می‌گیرد، لازمه همدیگر نیستند.  
■ رویارویی‌های بین روزنامه‌نگاران و دیگران بر سر انگاره‌های  
حرفه‌ای‌گرایی، مستند، گفتمان، موقعیت، و قدرت رفته رفته شدت  
می‌یابند و احتمالاً به همین منوال نیز ادامه خواهند یافت.



دموکراسی توده‌ای - و گستره‌ای که  
ادعاهای روزنامه‌نگاران در مورد استقلال  
مقاله‌نویسی بر آن استوار است، از یک  
لحاظ حرفه‌ای‌گرایی ضدونقیض،  
موضوعات مورد بحث هر دانشکده  
روزنامه‌نگاری را تشکیل می‌دهند و باید  
تشکیل دهند. دیوید اس ال David S.  
Allen و راسلین رید Rosslyn Reed در  
دو مقاله خویش در این شماره خاطر نشان  
می‌سازند که رویارویی‌های بین  
روزنامه‌نگاران و دیگران بر سر انگاره‌های  
حرفه‌ای‌گرایی، مستند، گفتمان، موقعیت،  
و قدرت رفته رفته شدت می‌یابند و  
احتمالاً به همین منوال نیز ادامه خواهند  
یافت.

از یک دیدگاه مبتنی بر عقل متعارف،  
شاید این مسأله در هیچ جایی بهتر از  
پیدایش مدیریت خبر نمایان نباشد. با  
بیان این که احتمال سیاسی عضویت  
انگلستان در اتحادیه اروپا، روزنامه‌نگاران  
انگلیسی را به گونه‌ای در کانون توجه قرار  
داده است، نیل تی گاوین Neil T. Gavin  
به از هم گشودن روابط پیچیده و متغیری  
می‌پردازد که در آن، روزنامه‌نگاران در  
فرایندهایی از تولید خبر با دیگران چه در  
داخل و چه در خارج سازمان‌های خبری  
(مستقل) مشارکت دارند. درک این که  
دانشکده‌های روزنامه‌نگاری تا چه اندازه  
تصدیق می‌کنند که فارغ‌التحصیلان و  
دست‌پرونده‌هایشان تعبیرساز هستند،  
جالب خواهد بود.

جورنالیزم، بعد از دو سال که از  
انتشار آن می‌گذرد، مرحله‌ای از گسترش  
هیأت تحریریه خود را طی می‌کند. دفتر  
مرکزی امور مربوط به تحریریه آن قرار  
است در انگلستان باقی بماند ولی این دفتر  
از کاردیف به لندن انتقال می‌یابد که هوارد  
تامبر Howard Tumber و دستیار  
سردبیر، بریونی فین Briony Fane در  
دانشگاه شهر (City University) مطالب  
ارسالی از اروپا و خاورمیانه را دریافت  
خواهند کرد. باری زیلازر Barbie  
Zelizer در دانشگاه پنسیلوانیا همچنان به  
دریافت مقالات ارسال شده از آمریکا ادامه  
خواهد داد. مایکل براملی Michael  
Bromley به دانشگاه تکنولوژی  
کوئینزلند، بریسبین، نقل مکان می‌یابد و  
از فوریه ۲۰۰۲ مقالات ارسالی از آسیا (و  
نیز استرالیا و نیوزیلند) را دریافت خواهد  
کرد. نشانی تماس در پشت جلد همین  
شماره جورنالیزم درج شده است. برای  
یافتن این نشانی به سایت اینترنتی Sage